



سال ششم / زمستان ۱۳۹۶

روزنامه‌نگاری آهسته چیست؟

• مترجم علی شاکر^۱
• نوشته: مگان لو مسوریه^۲

سرعت بخش مهمی از ماهیت روزنامه‌نگاری امروز است و در دوره‌ای که همین سرعت اثرات مخربی بر روند تولید اخبار داشته، نوع جدیدی از روزنامه‌نگاری، رویکرد تازه‌ای به تولید اخبار و اطلاعات دارد. این گفتمان تازه، مخالف گفتمان سرعت‌محور حاکم است و برخی روزنامه‌نگاران، سردبیران و ناشران و دست‌اندرکاران رسانه‌ای از آن حمایت می‌کنند. آن‌ها حامی «روزنامه‌نگاری آهسته» هستند.

در عرصه پژوهش‌های دانشگاهی در زمینه روزنامه‌نگاری آهسته کارهای معدودی انجام شده است. مقاله حاضر هم هرچند نتوانسته تعریف جامع و مانعی از این شیوه روزنامه‌نگاری ارائه کند، ولی شاخصه‌های کلیدی آن را برشمرده است. همچنین در این مقاله می‌بینیم که در بلاگ‌ها، پایگاه‌های اینترنتی، فروم‌های عمومی و ادبیات دانشگاهیان درباره روزنامه‌نگاری آهسته چه گفته‌اند. سپس سراغ نمونه‌هایی می‌رویم که ادعای پیش گرفتن روزنامه‌نگاری آهسته دارند. (البته به خاطر کمبود جا، بیشتر سراغ ناشران سردبیران و روزنامه‌نگارانی رفته‌ایم که شیوه کارشان را روزنامه‌نگاری آهسته توصیف کرده‌اند).

این را هم بگوییم که این مقاله ادعای پیشگویی درباره روزنامه‌نگاری در فضای پرسرعت و پر از اطلاعات و اخبار را ندارد؛ چون با وجود فضای رسانه‌ای و اشباع‌شده از اخبار و همچنین جوی که در آن ساختارهای سرمایه‌دارانه در حال تاختن هستند، گفتن از اینکه روزنامه‌نگاری آهسته می‌تواند با جو حاکم رقابت کند، کاری عبث است. ولی با توجه به شکل گرفتن فضایی انتقادی و جدید در برخی از رسانه‌های مستقل می‌توان به شکل‌گیری و ادامه حیات روزنامه‌نگاری آهسته امیدوار بود.

1- Slow Journalism

۲- دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی alishaker62@gmail.com
۳- Megan Le Masurier استاد گروه ارتباطات و رسانه دانشگاه سیدنی استرالیا است. مترجم

روزنامه‌نگاری

پیش از پرداختن به مفهوم «روزنامه‌نگاری آهسته»، بگذارید بگوییم منظورمان از روزنامه‌نگاری چیست. با این حال به قول مارتین کانبوی^۱ (۲۰۰۴:۳) هیچ‌وقت نمی‌توانیم فعالیتی واحد و مشخص برای روزنامه‌نگاری در نظر بگیریم. به گفته باری زلیزر^۲ روزنامه‌نگاری خاصیتی چندگانه و متکثر دارد و همین خاصیت سبب شده تا همیشه چهره‌های متغیر و غیرایستا داشته باشد. به همین دلیل بر اساس زمان، اتفاق‌ها، تعاریف و موقعیت‌های گوناگون شاهد شکل‌گیری انواع روزنامه‌نگاری هستیم. اگر هم بخواهیم در یک مدل یکپارچه و واحد روزنامه‌نگاری را تعریف کنیم باید به وجه کار خبری بر اساس منافع عموم و بافتار جامعه توجه داشته باشیم. مثلاً تعریف مایکل شوآدسون^۳ از چنین مدل یکپارچه‌ای پیروی می‌کند و می‌گوید: روزنامه‌نگاری حرفه و فعالیت تولید و انتشار اطلاعات درباره اتفاق‌های روزمره‌ای است که برای عموم مردم مهم است. (Schudson 2003, ۱۱) البته او نیز اذعان می‌کند که دیگر اشکال مطالب تولیدی هم در رسانه‌ها منتشر می‌شود. مطالبی همچون نقد، رویدادهای ورزشی، سبک‌زندگی، ستون‌های خوانندگان، اخبار زرد از آدم‌های مشهور و توصیه‌ها، پس نمی‌توان گفت که مطالب برای همه مردم سودمند، مهم و مفیدند. گاهی این خود روزنامه‌نگاری است که برای جامعه تعیین می‌کند چه موضوعی مهم است یا مهم نیست. در عوض، جان هارتلی (۱۹۹۶:۶) از محدود کردن روزنامه‌نگاری به خبر اجتناب می‌کند و می‌گوید اگر کار روزنامه‌نگاری و گزارش‌های روزانه فقط حوزه عمومی سیاست را در بر می‌گیرد، پس چرا شاهد انعکاس گزارش‌هایی درباره حوزه خصوصی افراد هستیم؟ این‌طور که لیزبت ون‌زونن^۴ کارشناس حوزه فمینیست و رسانه می‌گوید موقعیت اجتماعی روزنامه‌نگاری خبری بر این فرض استوار است که تمام عناصر آن در خدمت عملکرد مناسب حوزه عمومی و دموکراسی هستند. اما روزنامه‌نگاری همواره مرزهای متفاوتی را پوشش می‌دهد؛ از اطلاع‌رسانی و افزایش آگاهی عموم نسبت به دنیای اطراف تا حوزه‌های تجاری و اقتصادی و همچنین حوزه‌های شخصی (van Zoonen, 1998, ۱۲۵).

به گفته کانبوی اینکه روزنامه‌نگاری را به کارکردهای سیاسی آن محدود کنیم به‌نوعی جفا و محدود کردن آن است. با این کار پتانسیل‌های روزنامه‌نگاری را در عرصه گفتمان سرگرمی ندیده‌ایم.

پس آن روزنامه‌نگاری که من در این مقاله درباره‌اش صحبت می‌کنم، فراتر از وجه خبری (چه

1- Martin Conboy
2- Barbie Zelizer
3- Michael Schudson
4- Lisbet van Zoonen

نرم‌خبر چه، سخت‌خبر یا اخبار فوری) یا سیاسی آن است. روزنامه‌نگاری از نظر من فقط خبر نیست، بلکه به چیزهای جدید و گاهی قدیمی می‌پردازد. هرچند که به قول میتشل استیفنز^۱، این روزها صحبت از روزنامه‌نگاری بدون گفتن از خبر ناممکن است، ولی شاید زمان آن باشد تا کمی روزنامه‌نگاری را از خبر فاصله دهیم. برای این کار باید فوریت و سرعت را از روزنامه‌نگاری جدا کنیم.

روزنامه‌نگاری سریع

در سال ۱۹۹۹، کواچ و روزنستیل^۲ (۱۹۹۹، ۵) شواهد محکمی مطرح کردند درباره اینکه چگونه روزنامه‌نگاری وقایع روزمره را به شکلی صحیح و قابل اعتماد تنظیم می‌کند، ولی «سرعت سرسام‌آور^۳» در این حرفه در حال تضعیف این کار کرده‌است.

تازه این پیش از همه‌گیر شدن شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات گسترده و روزنامه‌نگاری آنلاین و تولید خبر در فضای مجازی است که با سرعت بیشتری هم همراه است. حدود ۱۰ سال بعد، رونبرگ و فلدمن نیز به همین مسئله پرداختند. آن‌ها در کتاب «وقتی برای تفکر نیست» به یک شیوه اغراق شده در میان رسانه‌ها می‌پردازند و می‌گویند: «رسانه و امر بی‌دقتی در آن طی تمام این سال‌ها به شکل معاشقه‌گونه‌ای با هم ساخته‌اند و اکنون هر دو در فضایی مبهم مهر سکوت بر لب دارند» (Rosenberg and Feldman 2008, 4).

دیگر مطالعات نیز یافته‌ها و دغدغه‌های این دو پژوهشگر را تأیید می‌کند. فشار برای تولید آنلاین خبر (که همزمان با یک اتفاق، خبرش نیز در حال تنظیم شدن است) باعث شده تا میزان دقت و بررسی دقیق مطلب پیش از انتشار پایین بیاید (Hargreaves, 2003: 12). روزنامه‌نگاران برای انعکاس یک اتفاق به‌ندرت از اتاق خبر خارج شوند. (Phillips 2009) چون کار خبرنگار گزارش اتفاق‌ها پیش از وقوع است (Davies 2009). بخش مهمی از اخبار وابسته به بسته‌های خبری روابط عمومی‌ها و سرویس‌های خبری هستند که مواد خام روزنامه‌نگاران را تأمین می‌کنند و به قول دیویس به‌جای روزنامه‌نگار با یک «سرهم‌بندنگار^۴» پشت میز نشین طرف هستیم که فقط یک سری اطلاعات اخبار اینترنتی را سرهم می‌کند و کنار هم می‌گذارد و به نام گزارش آن را روی خط یا برای چاپ می‌فرستد. بررسی بوچکوفسکی^۵ روی اخبار تولید شده آنلاین نشان می‌دهد که سرعت در این کار سبب نوعی رقابت در انعکاس خبر و داشتن آن در وبسایت خبری‌مان شده است.

1- Mitchell Stephens

2- Kovach and Rosenstiel

۳- warp speed اصطلاحی عامیانه است که معنی آن میزان خیلی خیلی زیاد سرعت است. مترجم

۴- واژه Churnalism تلفیقی از واژه Churn به معنی سرهم‌بندی، و واژه ژورنالیسم است. چورنالیسم به معنی روزنامه‌نگاری سطحی و سهل‌انگاره‌ای است که حاصل کارش تنها با ترکیب کردن گزارش‌های آماده‌آژانس‌ها و رسانه‌های فعال تهیه می‌شود و اصالتی ندارد. مترجم

5- Boczkowski

این امر در آخر باعث تقلید، و کپی‌کاری می‌شود و مطالب دیگر تنوع ندارند. این در حالی است که تعداد روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها در فضای آنلاین بسیار بیشتر از فضای روزنامه‌نگاری چاپی است. به گفته ناتالی فنتون^۱ سرعت روزنامه‌نگاری خبری عصر جدید بالا رفته ولی به همان میزان تمرکزش پایین آمده و پراکنده‌کاری می‌کند.

لورا یانتونن^۲ که در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ روی فرهنگ خبری در فنلاند کار کرده است به این نتیجه رسید که سه اهرم فشار باعث افزایش سرعت در کار روزنامه‌نگاری می‌شوند؛ دلایل تجاری، تکنولوژیک و این ارزش ذاتی روزنامه‌نگاری که کار برای عموم انجام می‌شود و آنان باید هرچه زودتر بدانند و دانستن اخبار حق آنان است. با ظهور رسانه‌های اجتماعی و روزنامه‌نگاری شهروندی این فشار برای سریع‌تر انتقال دادن اخبار بیشتر هم شد. ولی همان‌طور که روزنبرگ و فلدمن می‌گویند: «حق عموم برای دانستن با حق همه چیز دانستن عموم جایجا شده و اینجاست که هر مطلب پر ابهام و پر غلطی تا آنجا که تکنولوژی اجازه دهد سریع و بدون درنگ منتشر می‌شود».

در این هیجان سرعت و فوریت امکان توجه و دقت پایین می‌آید و اطلاعات گفته شده در بافت خود قرار نمی‌گیرند و همین باعث نوعی بدفهمی‌های ارتباطی هم برای روزنامه‌نگاری و هم برای مخاطب می‌شود.

یوری^۳ از تعبیر «اثر کولاژ» استفاده می‌کند. یعنی زمانی که خبر از بافتار مکانی خود جداست و هیچ معنایی برای مخاطب ندارد، جز اینکه مثلاً بداند اهمیت این خبر در ارزش‌های خبری نهفته است.

خبرها از گوشه و کنار جهان با فرهنگ‌ها و پیشینه‌های مختلف دلبخواهی کنار هم می‌نشینند و فقط بخش کوچک و محدودی از یک واقعه را روایت می‌کنند و در بیشتر مواقع به خاطر کمبود جا یا وقت، به پیشینه و اصل ماجرا که «چه شد اتفاق افتاد؟»، اشاره‌ای نمی‌شود. در نتیجه ما به‌جای خبر یک‌سری کولاژ از اتفاق‌های مختلف درباره یک موضوع داریم که وجه زمانی و مکانی آن به‌درستی در نظر گرفته نشده است (Urry 2009, ۱۸۹-۱۹۰).

هارینگتون^۴ از نوعی ترس روزنامه‌نگاران می‌گوید. اینکه ما باید از دل این بهم‌ریختگی یک مطلب خوب بیرون بیاوریم و بهتر است این کار با سرعت هرچه تمام‌تر انجام شود. این امر سبب می‌شود تا روزنامه‌نگاران به دام تم‌ها و کلیشه‌های تفسیری رایج بیفتند و در واقع هر اطلاعاتی را در همین قالب‌های کلیشه‌ای بریزند و وقت نداشته باشند خودشان قالبی نو برای گفتن داستان

1- Natalie Fenton
2- Laura Juntunen
3- Urry
4- Harrington

خویش^۱ طراحی کنند. (Harrington 1997, xxiv)

اریکسن در مطالعه خود روی سرعت و رسانه به این نتیجه می‌رسد که در یک رقابت آزاد و عادلانه میان نسخه سریع و آرام، نسخه سریع همیشه پیروز است. اما سؤال اینجاست که در طی این مسیر نسخه سریع چه چیزهایی را از دست داده است؟ پاسخ کوتاه این است که در آن به بافتار مخاطب و همچنین میزان فهم او از مطلب توجهی نشده و پاسخ طولانی‌تر آن است که اعتماد و اعتبار نیز از بین رفته است.

جنبش آهسته

«آهسته» اکنون به یک جنبش اجتماعی تبدیل شده و دیگران این جنبش را یک خرده فرهنگ توصیف می‌کنند. (Rauch 2011) پارکینز و کرگ (۲۰۰۶) از مفهوم «آهسته» استفاده کردند تا استیلای سرعت در زندگی‌های روزمره امروزی را به چالش بکشند. منبع الهام آنان جریان غذای آهسته^۲ (SF) است که در مقابل فست‌فود قد علم کرده است. جریان این جنبش مخالف غذاهای سریع به رم ۱۹۸۹ بر می‌گردد که معترضان بیرون فروشگاه مک‌دونالد شروع به خوردن پنه^۳ کردند. کارلو پترینی، رهبر جنبش معترضان به غذاهای سریع که در زمینه فلسفه و فعالیت‌های جنبش «آهسته» کتاب‌هایی هم منتشر کرده، معتقد است که این جنبش فقط مخالف فست‌فود نیست، بلکه یک واکنش انتقادی نسبت به علائم اولیه شکل‌گیری جهانی‌سازی است (Petrini 2001, ۸). اوایل کار هدف از این جنبش آن بود که از تولید و فرهنگ بومی در برابر فرهنگ‌های مهاجم غرب مراقب کنند و با برگزاری جشن‌هایی که در آن نوشیدنی و غذاها را با یکدیگر قسمت می‌کردند، لذت را با فلسفه آهستگی در آمیزند. مانیفست اولیه این جنبش هم در سال ۱۹۸۹ بر حق لذت و دفاع از تولید فرهنگی بومی تاکید می‌کرد. البته وقتی سال ۲۰۱۰ این مانیفست بازنویسی شد حق لذت را از آن حذف کردند؛ چون این «لذت» در مانفست فقط در مقابل فست‌فودها مطرح می‌شد، در حالی که در نسخه سال ۲۰۱۰ آمده: «بگذارید از خود در برابر جنون زندگی‌های سریع، با استفاده از چیزهای آرامش‌بخش محافظت کنیم» (Slow Food, ۲۰۱۰).

آن‌ها شعارشان را هم انتخاب کردند: «خوب، پاک و منصفانه». البته راجع هریک از این کلمات

۱ - شبیه کاری که برخی خبرگزاری‌ها انجام می‌دهند. در میان برخی از این سازمان‌ها رقابتی منفی بر سر زودتر منتشر کردن خبر برقرار است؛ حتی دیده شده ساعت انتشار خبر را چنان عقب می‌کشند که گویی خبر پیش از واقعه منتشر شده است. اما گذشته از این‌ها در بهترین وضعیت نیز خبرگزاری‌ها با فشار زمان مواجه‌اند و برای همین، راحت‌ترین کار ممکن در ارائه مطلب ریختن آن در قالب‌های مرسوم «وی گفت»، «وی افزود» است. مترجم

2- Slow Food

۳- پنه، نوعی پاستای ایتالیایی است که با سینه مرغ، قارچ، زعفران، شیر و خامه و پیاز درست می‌شود و معمولاً سس آلفردو نیز در کنارش می‌آید. مترجم

نیز در مانیفست خود بیشتر توضیح داده‌اند: «خوب» به رژیم غذایی سالم و خوشمزه بر می‌گردد که ریشه در فرهنگی بومی خودمان داشته باشد. «پاک» به تولید و مصرف غذاهایی که برای محیط‌زیست ما و حیوانات و سایر موجودات ضرری نداشته باشد و «منصفانه بودن» نیز به قیمت و شرایط منصفانه برای مشتریان و همچنین تولیدکنندگان خرد، مربوط می‌شود.

در عرصه غذاهای آرام، مصرف‌کنندگان بخشی از فرایند تولید غذا را بر عهده می‌گیرند ولی این به معنی آن نیست که از صفر تا صد کار را در دست دارند. در عرصه رسانه هم با حضور روزنامه‌نگاری شهروندی شاهد روند تاحدی مشابه هستیم. در واقع روزنامه‌نگاری آهسته قرار نیست که خودش تبدیل به یک جریان مستقل و غالب شود. منظور پرتینی نیز از دستیاری در تهیه غذا این است که مشتریان باید از راه دانستن درباره غذاها و منشاء و خواص آنها تبدیل به بخشی از روند تولید غذا شوند.

اصول اساسی غذای آهسته از سطح صنعت غذا فراتر رفته است و عرصه‌های فرهنگ و زندگی روزمره را نیز در بر گرفته و پیامدهای در عرصه روزنامه‌نگاری داشته است؛ اینکه مسئولیت فردی ما در قبال مصرف روزنامه‌نگاری چیست؟ اما پیش از آن پرسش مهم‌تر این است که چگونه فلسفه آهستگی را با اصول روزنامه‌نگاری هماهنگ کنیم؟

روزنامه‌نگاری آهسته

تاکنون شکل‌های مختلفی از روزنامه‌نگاری با میزان متفاوتی از خلاقیت، دوره انتشار و دوره مصرف به وجود آمده‌اند. اگر ما مفهوم «آهستگی» را از منظر فلسفه همین جنبش در نظر بگیریم، این مفهوم در روزنامه‌نگاری یعنی اینکه روزنامه‌نگار وقت بیشتری برای پرداخت مطلب داشته باشد و مطلب زیر فشار زمان و زودتر رسیدن به چاپ، قرار نداشته باشد. از این منظر می‌توان گفت که روزنامه‌نگاری آهسته از همان روزهای اولیه ظهور روزنامه‌نگاری پا به عرصه وجود گذشته است.

این شکل از کار را می‌توان در آثار مختلفی پیدا کرد؛ مثل مجموعه سه جلدی مقالات میشل دومونتی در قرن ۱۶ میلادی، روزنامه‌نگاری تحقیقی افشاگرانه (مثلاً گزارش‌هایی که در سال ۱۸۸۷ نلی بلی^۱ برای نیویورک ورلد تهیه کرد و در آن شرایط زنان مجنون تیمارستانی در جزیره بک‌ول را به تصویر کشید. او برای این کار وانمود کرد که دیوانه است و به این تیمارستان رفت. پس از آن در کتابی به نام ۱۰ روز در دیوانه‌خانه مشاهدات خود را به چاپ رساند). همچنین شکل بلند روایی

۱- (Nellie Bly) این روزنامه‌نگار هم به خاطر گزارش تحقیقی از یک تیمارستان و هم شکستن رکورد سفر به دور دنیا در شبیه سازی رمان ژول ورن شهرت دارد. درباره او می‌توانید در کتاب بیشتر بخوانید: زندان، دیوید، (۱۳۹۱) «گزارشگران بزرگ»، ترجمه علی‌اکبر قاضی‌زاده، انتشارات همشهری. مترجم

مطلبی با نام هیروشیما که آن را جان هرسی^۱ به چاپ رساند نیز از نمونه‌های روزنامه‌نگاری آهسته است. هرسی درباره هیروشیما مطلبی ۳۱ هزار کلمه‌ای نوشت و آن را در سال ۱۹۴۶ در نیویورکر منتشر کرد. از روزنامه‌نگاری آهسته در روزنامه‌نگاری نوین و اشکال قصه‌گو و همچنین غیرقصه‌گوی روزنامه‌نگاری هم می‌توان سراغ گرفت. اصولاً هر مجله‌ای که برای مطالب لایبی خود وقت داشته باشد و بتواند از وقت خود برای تعمیق بیشتر به مطلب استفاده کند، شکلی از روزنامه‌نگاری آهسته را پیش می‌برد. دوره انتشار مجلات (چه به صورت چاپی یا روی برنامه‌ها^۲) طولانی‌تر از روزنامه و می‌توان آن را با طمانینه بیشتری خواند. از این نظر روزنامه‌نگاری آهسته موضوع جدیدی نیست. ولی همان‌طور که خواهیم گفت جریان تولید مطلب در روزنامه‌نگاری آهسته روند گام‌به‌گام و بی‌استرس و طولانی‌تری دارد.

سوزان گرین‌برگ برای نخستین بار سال ۲۰۰۷ در مجله پروسپکت این واژه را به کار برد. او از مفهوم «پایان درجا زدن در میانه» روزنامه‌نگاری استفاده می‌کند.

گرین‌برگ در این باره می‌گوید: شکل مطالب بلند در روزنامه‌نگاری به سلطه فرهنگ اخبار فوری و سریع پایان داده است. ما خیلی سریع و سطحی اخبار را از رادیو تلویزیون و همچنین رسانه‌های آنلاین دریافت می‌کنیم. در میانه این جریان پرسرعت اطلاع‌رسانی، روزنامه‌های چاپی هم وجود دارند که روز به روز از میزان علاقمندان و خوانندگان آن کاسته می‌شود و اینجاست که باید فضا برای مطالب و مقاله‌های خبرنویسان که نوشتنشان وقت‌گیر است، باز شود. دقت کنید منظور مطالبی است که دیگران به آن نپرداخته‌اند. یعنی مطالبی که در بالاترین حد استاندارد خود هستند؛ این یعنی روزنامه‌نگاری آهسته (Greenberg 2007).

البته خیلی بعید است که روزنامه‌نگاری مطالب بلند، قدرت از بین بردن سلطه فرهنگ اخبار فوری و سریع را داشته باشد. با این همه، گرین‌برگ به روزنامه‌نگاری آهسته امیدوار است. روزنامه‌نگار در این شکل از روزنامه‌نگاری برای پژوهش و نگارش درباره موضوع خویش وقت کافی دارد تا بتواند در بالاترین استاندارد ممکن داستان خویش را تعریف کند. (Greenberg 2013, ۳۸۲)

در واقع اگر ما نسبت به موضوعی درک کامل و درستی نداشته باشیم، این گزارش‌های عمیق می‌توانند چنین شکافی را پر کنند. به نظر می‌رسد ایده روزنامه‌نگاری آهسته گرین‌برگ چیز جدید و خاصی نداشته باشد. در واقع نوعی روزنامه‌نگاری است که بر مطالب بلند، عمیق و البته باکیفیت تاکید دارد. منظور از کیفیت این است که برای نوشتن مطلب پژوهش دامنه‌داری انجام می‌دهیم و آن را بر اساس بافتار متن توضیح بیشتری می‌دهیم تا خواننده کاملاً با جزئیات آن آشنا شود. البته

1- John Hersey

2- Applications

در تاریخ روزنامه‌نگاری از این قبیل کارها کم نداشتیم. به گفته گرین‌برگ این شیوه روزنامه‌نگاری وقت دارد تا منشاء اطلاعات و چگونگی جمع‌آوری آن را برای خوانندگان تشریح کند. روزنامه‌نگاری آهسته شیوه تهیه و گزارش مطالب را آشکارتر می‌کند. مثلاً منابع اطلاعاتی‌اش مشخص است. با صراحت می‌گوید که اطلاعاتش را چگونه کسب کرده و این اطلاعات چه قدر ممکن است سوگیری داشته باشند. در عرصه مجازی خواندگانش را با پیوندهای درون‌متنی به منابع اصلی اطلاعاتی وصل می‌کند و پیشینه‌اش را از طریق پژوهش و مطالب مرتبط به دست می‌آورد و به مطلب خویش اضافه می‌کند.

اخیراً مطالعه‌ای درباره ظرفیت روزنامه‌نگاری آهسته در بحث‌هایی چون تغییر وضع آب و هوایی به انجام رسیده است. هارولد گس^۱ در این بررسی ضمن پرداختن به مطالبی که در زمره روزنامه‌نگاری آهسته محسوب می‌شوند، به این پرسش نیز پاسخ داده است که چه‌طور می‌توان اصول غذای آهسته را به بحث روزنامه‌نگاری آهسته انتقال دهد.

اصل اول «خوب» بودن است؛ این خوب بودن به بررسی دقیق تمامی جوانب یک موضوع برمی‌گردد. خوب بودن باعث می‌شود که در این عرصه با یک محصول مفید که برای فرهنگ ما فوایدی هم دارد، مواجه شویم.

اصل دوم «پاکی» است. یعنی روزنامه‌نگار باید با رعایت اخلاق حرفه‌ای از فساد دوری کند و از موقعیت کاری خود سوءاستفاده نکند. روزنامه‌نگار نباید به کلیشه‌ها دامن بزند و برای داشتن محیط زندگی پاک و پایدار تلاش کند. باید حامی عدالت اجتماعی باشد و خودش در سرنوشت مخاطبان و مردمش سهیم بداند.

اصل سوم «منصفانه یا عادلانه» بودن است که به حق دسترسی روزنامه‌نگاران به اطلاعات جامعه مورد بررسی و همچنین اطمینان از عدم استثمار آنان مربوط می‌شود (Gess 2012, ۶۰). مارک برکی جرالده، روزنامه‌نگار و استاد دانشگاه روان^۲ در وبلاگ خویش ضمن پیگیری بحث‌های موجود درباره روزنامه‌نگاری آهسته، برخی از ویژگی‌های این شیوه روزنامه‌نگاری را استخراج کرده است.

از نظر او روزنامه‌نگاری آهسته:

- خودش را از فشار رقابت برای زودتر رساندن مطلب خلاص می‌کند.
- نه سرعت و فوریت، بلکه برای روزنامه‌نگاری آهسته دقت، صحت، کیفیت ارائه مطلب و

1- Harold Gess

2- Rowan University

همچنین بافتار اجتماعی که قرار است مطلب در آن منتشر شود اهمیت زیادی دارد.
 • از وقایع مربوط به آدم‌های مشهور و احساسی که بیشتر گزارشگران آن را پوشش می‌دهند، دوری می‌کند.

• برای تولید یک محصول نهایی و رسیدن به هدفش قابل قبول وقت صرف می‌کند.
 • سراغ داستان‌های گفته نشده، می‌رود.

• متکی به قدرت داستان‌پردازی نویسندگان است.

• مخاطبان را همکار خود در ارائه مطلب می‌بینند. (Berkey-Gerard 2009)

همان‌طور که دیدیم روزنامه‌نگاری آهسته نیازمند زمان است تا بتواند درباره موضوع خود با عمق و دقت بیشتری به تحقیق بپردازد. لازم نیست آنچه منتشر می‌شود مطلبی طولانی باشد، ولی معمولاً مطالب در این شیوه روزنامه‌نگاری بلند و دنباله‌دار هستند.

ارائه محصول نهایی نیازمند مهارت است، چون برای ارائه اطلاعات در رسانه‌های مختلف شکل روایت بسیار اهمیت دارد. روایتی که سبب خستگی و دلزدگی مخاطب از اطلاعات زیاد نشود.

روزنامه‌نگاری آهسته از احساسات‌گرایی پرهیز می‌کند و از مطالبی که دیگر گزارشگران منعکس می‌کنند، دنباله‌روی نمی‌کند. این نوعی برخورد اخلاقی با سوژه‌ها و تولیدکنندگان مطالب است که آن را در مطالب فیچری^۱ و بلند رسانه‌ها هم می‌توان سراغ گرفت.

رویکرد روزنامه‌نگاری آهسته این است که مطالب فقط نباید دقیق و صحیح باشد، بلکه تا آنجا که ممکن است باید منابع شفاف باشند و به قول روش‌دان‌ها پایایی و روایی داشته باشد تا دیگران نیز در صورت لزوم اگر بخواهند بتوانند از آن استفاده و یا بتوانند متن را دوباره بررسی کنند.

این رویکرد راه و رسم کار جمعی را پی می‌گیرد که یافته‌های خویش را با دیگران به اشتراک می‌گذارد و دنبال رقابت نیست. بدین معنی این شیوه روزنامه‌نگاری می‌بایستی در فضایی مستقل و در میان رسانه‌های جایگزین رشد پیدا کند. مثلاً میان غول‌های رسانه‌ای که مدام با هم رقابت دارند نمی‌توان سراغی از آن گرفت، بلکه باید در میان رسانه‌هایی با مقیاس کوچک دنبال آن گشت. رسانه‌هایی که ارزش‌های مربوط به روزنامه‌نگاری آرام را درک می‌کنند. برخی از شیوه‌های روزنامه‌نگاری آهسته به خاطر لذت و آرامشی که در تولید مطلب هست، زمینه‌ای شده‌اند برای مشارکت فعال هم خود روزنامه‌نگار و هم خواننده و همین موضوع این شکل از مطالب را بسیار محبوب کرده است.

در ادامه برخی از موسسه‌ها و انتشاراتی را معرفی می‌کنیم که خودشان را فعال در عرصه

۱- منظور مطالبی است که در صفحات لایه منتشر می‌شوند و زیر فشار زمانی نیستند. مترجم

روزنامه‌نگاری آهسته می‌دانند. این موسسه‌ها در تولیدات خود تمام ویژگی‌های روزنامه‌نگاری آهسته را رعایت نمی‌کنند. برخی بر تحقیق و همکاری بیشتر برای نوشتن مطلب تاکید دارند، برخی دیگر نیز بر مطالب محلی متمرکزند. بعضی هم به‌طور عمقی به سوژه‌های خود می‌پردازند. این شکل از روزنامه‌نگاری ویژگی‌های خیلی مشخصی و خاصی ندارد؛ یعنی ویژگی‌هایی بتوان آن را فهرست کرد و گفت اگر این اصول را رعایت کند، در قالب «آهسته» می‌گنجد. بلکه این واژه آهسته نوعی عکس‌العمل انتقادی نسبت به تاثیرات سرعت بر روزنامه‌نگاری است.

تحقیق و تشریک مساعی

سال ۲۰۰۸ نشستی در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی برگزار شد. موضوع بحث اعضای پنل این بود که چه‌طور می‌توان مطلبی را با به اشتراک گذاشتن منابع اطلاعاتی‌مان بنویسیم و اینکه این کار چه‌قدر می‌تواند در عرصه روزنامه‌نگاری راه‌گشا باشد. همچنین در همین نشست ناکا ناتانیل^۱ درباره تجربه همکاری‌اش در سال ۲۰۰۶ با نیکولاس کریستف در زمینه قتل عام دارفور صحبت کرد. وی همین همکاری را نیز در قالب روزنامه‌نگاری آهسته گنجانده است.

در تجربه‌ای دیگر وبسایت نیویورک‌تایمز مقاله‌ها، ستون‌ها، ویدئوها و نوشته‌های وبلاگ خود را با پیشینه صحیح درباره یک موضوع پیوند داد و در اصطلاح لینک کرد. سپس به خوانندگان گفتند که از این مطالب استفاده کنند برای اینکه مطلب یا داستان خود را بنویسند. سپس نیویورک‌تایمز تاکید کرد: «فکر نکنید که باید مطلب شما طولانی باشد، راستی که گاهی یک‌هایکو موثرتر از تعریف یک داستان بلندبالاست».

بدین ترتیب در این شیوه روزنامه‌نگاری آهسته شما ملزم به نوشتن مطلبی طولانی نیستید، بلکه روزنامه‌منابعش را با شما به اشتراک می‌گذارد و شما با در اختیار داشتن این مواد می‌توانید مطلب خود را بنویسید و در این پروژه مشارکت کنید.

تجربه‌های مربوط به روزنامه‌نگاری آهسته متفاوت است. یکی دیگر از آنها مربوط به کار پل بردشو^۲ در بیرمنگام است که نام پروژه‌اش بود «یاری‌ام ده در این جستار^۳». این کار در واقع «یک پروژه گروهی روزنامه‌نگاری تحقیقی» بود. در وبسایت این پروژه، پرسش‌هایی مطرح می‌شد و کاربران صفحه داوطلبانی از نقاط مختلف دنیا بودند. این کاربران در شکل گروه‌هایی کوچک به روند تحقیق کمک می‌کردند. البته بردشو آن‌ها را شهروند روزنامه‌نگار نمی‌نامید و برایش مهمتر از خروجی مطلب، ارتباطی بود که در این گروه برای پاسخ سوال‌ها شکل می‌گرفت. بردشو این شکل

1- Naka Nathaniel

2- Paul Bradshaw

3- Help Me Investigate

کار را «روزنامه‌نگاری آهسته» می‌نامید (Bradshaw 2009).

او بعدها در گفت‌وگو با گاردین گفت که می‌خواسته با این کار روند روزنامه‌نگاری تحقیقی را برای عموم مردم شفاف‌تر کند. مردم می‌توانند بر اساس حوزه‌ای که در آن واردند به پرسش‌ها پاسخ دهند و اگر روزنامه‌نگاران برای پرسش خود منبع خاصی نداشته باشند، این وبسایت می‌تواند واسطه خوبی برای تماس با جامعه و کمک گرفتن باشد (Kiss, 2009).

در سانتا باربارا ایالات متحده وبسایتی پژوهشی و غیرانتفاعی هست به نام میژن اند استیت^۱ که درآمد آن بیشتر از منابع خیریه است. این وبسایت مطالبی تحقیق‌محور منتشر می‌کند از اتفاق‌های سانتا باربارا و مدعی است که این مطالب تأثیری محلی، منطقه و حتی ملی دارند. خود این وبسایت گفته مطالبش را در قالب چند رسانه‌ای و دنباله‌دار منعکس می‌کند و به جای رقابت با دیگر رسانه‌ها، دنبال همکاری با آنهاست. جو دانلی شیوه عملکرد این وبسایت را روزنامه‌نگاری آهسته می‌داند. ما زمانی که برای توجه به یک مطلب می‌گذاریم خیلی کم است و سریع از کنار اخبار و اتفاق‌ها می‌گذریم و به شکل فست‌فودی با مطالب برخورد می‌کنیم. در حالی که باید شبیه همان جنبش «غذای آهسته» عمل کنیم و به سمت تجربه‌ای جدید برویم که برایش تأثیرات احساسی و ادراکی مطالب مهم است.

لانگ‌پلی^۲ (LP) وبسایتی فنلاندی است که بر روزنامه‌نگاری تحقیقی متمرکز است. یوهانا وهکو^۳ سردبیر این وبسایت می‌گوید: در عصر بزرگ شدن اتاق خبر، اولین شیوه کاری روزنامه‌نگاران که کنار گذاشته می‌شود، روزنامه‌نگاری تحقیقی است. ولی ما رویکردی که در کارمان داریم، روزنامه‌نگاری آهسته است. ماهانه هشت روزنامه‌نگار، دو طراح و یک عکاس با هم همکاری می‌کنند تا تنها یک مطلب روی وبسایت LP منتشر شود. وهکو، همکارانش را گروهی دموکراتیک توصیف می‌کند. LP در واقع دارد شکلی از روزنامه‌نگاری با مطالب طولانی و بلند^۴ است. این وبسایت به مخاطبانش داستان‌هایی می‌فروشد که تخیلی نیستند و پر از اطلاعات و فکت‌های واقعی‌اند. البته رسانه‌های جریان اصلی بیشتر به کوتاه کردن مطالب تمایل دارند. این روندی جدید در میان رسانه‌های آنلاین و مستقل است که مایل‌اند برچسب روزنامه‌نگاری آهسته را نیز یدک بکشند. (برای نمونه بد نیست به این وبسایت‌ها سری بزنید: Awl, Matter, Medium, Longform, Lon- (greads, Storyboard, Atavist, Byliner, Zetland, Informant)

1- Mission and State

2- Long Play

3- Johanna Vehkoo

۴- در این زمینه نگاهی بیندازید مقاله «آیا اینترنت پایان عصر مطالب بلند است؟» در این نشانی:

<http://www.hamshahrtraining.ir/news.aspx?id=3877>

روایتی همراه با طمانینه

نوا روزنبرگ که در نیویورک وبسایت نری تیولی^۱ را پایه‌گذاری کرده و خودش سردبیر آن است از واژه روزنامه‌نگاری آهسته برای توصیف مطالب عمیق، دسته اول و انسان‌محور استفاده می‌کند. البته قرار نیست روزنامه‌نگاری آهسته تمامی این مولفه‌ها را یک‌جا داشته باشد. روزنبرگ سال ۲۰۱۳ در کنفرانس استوریولوژی سیندی گفت: روزنامه‌نگاری آهسته واکنشی است به حجم بی‌وقفه و عظیم اطلاعاتی که به صورت ۲۴×۷ (هفت روز هفته و ۲۴ ساعت شبانه‌روز) به سمت ما هجوم می‌آورند. مطالب روزنامه‌نگاری آهسته نیز بیشتر رویکردی محلی دارند. درست شبیه به اصول غذای آهسته (SF). تیم روزنبرگ در وبسایت خود نیز گفته‌اند چرخه خبر را کند خواهند کرد و بخش‌هایی مانند «خبری فوری» ندارند و به جای آن به طور ویژه سراغ مطالب ناگفته و مورد پسند مردم می‌روند. آن‌ها داستان‌هایی پر از جزئیات درباره اتفاق‌هایی می‌نویسند که در جایی خاص برای مردم اتفاق افتاده است.

وبسایت نری تیولی هر هفته پی‌موضوعی ویژه در جایی مشخص می‌گردد و روزی یک مطلب منتشر می‌کند. شیوه‌ارائه این مطالب هم متناسب با موضوع تغییر می‌کند. از جمله شیوه‌های آن‌ها در ارائه مطلب گرافیک اطلاع‌رسان، کارتون مستند، مقاله بلند و گزارش تصویری است. در خود این سایت آمده: «مطالب ما برای تاثیرگذاری فضا و زمان کافی خواهند داشت و این رویکردی است که نامش را گذاشتیم داستان‌گویی آرام یا روزنامه‌نگاری آهسته» (Narratively 2013).

یک نمونه دیگر، مجله‌ای آنلاین به نام ایون^۲ است. که در لندن منتشر می‌شود. ایون هفته‌ای یک مطلب طولانی و بلند منتشر می‌کند. فلسفه‌ای که هیات تحریریه این مجله دنبال می‌کند «مساوات‌طلبی اندیشه»^۳ است. این مجله را بریجیت و پل هاینس منتشر می‌کنند و بدون گرفتن آگهی از منابع خودشان حقوق تحریریه را نیز می‌پردازند. مدیران این مجله می‌گویند که می‌خواهند روند غرق شدن مردم در اطلاعات را تصحیح کنند و سعی دارند به شکل عمیق‌تری بپردازند به موضوع‌ها، عقاید و ارزش‌هایی که در اخبار منعکس می‌شود. در حالی که دیگر رسانه‌ها در بستر آنلاین روز به روز بر سرعت خود می‌افزایند، مجله ایون بر فعالیت صبورانه و با آرامش تاکید می‌کند. هرچند که ممکن است مطالب این مجله به اندازه اخبار فوری برخی سایت‌ها کلیک نخورد، ولی خوانندگان این مطالب تا مدت زیادی تحت تأثیر آن خواهند بود. ایون و نری تیولی نشریه‌ای دوره‌ای و روزانه محسوب می‌شوند، ولی تجربه کار با طمانینه آنان باعث شده تا روزی یک مطلب منتشر کنند.

1- Narratively

2- Aeon

۳- Idea Egalitarianism طبق این دیدگاه سود و زیان هر چیزی باید به طور مساوی تقسیم و به هرکس به یک اندازه داده شود. مساوات‌طلبی با برابرطلبی (equalitarianism) متفاوت است که می‌گوید: آثار توزیع (سود و زیان) را بر روی مردم بسنجیم تا مطمئن شویم داریم رفتاری برابرانه انجام می‌دهیم. مترجم

شاید بتوان پل سالوپک را آهسته‌ترین روزنامه‌نگار دانست. این روزنامه‌نگاری برنده جایزه پولیتزر، از سال ۲۰۱۳ پروژه‌ای هفت ساله را با حمایت نشنال جئوگرافیک آغاز کرده است. سالوپک می‌خواهد ردپای مهاجرت اجداد ما را از اتیوپی دنبال کند و با پای پیاده از خاورمیانه، چین و آلاسکا بگذرد و به آمریکای جنوبی و مجمع‌الجزایر تی‌یرا دل فوئه‌گو^۱ در مرز جنوبی شیلی با آرژانتین برسد؛ همان جایی که اجداد ما هشت هزار سال پیش در افق گم شدند.

سالوپک هر ۱۰۰ مایل توقف و شروع به عکاسی و مصاحبه با نزدیک‌ترین آدم‌های آن منطقه می‌کند.^۲ همچنین در وبلاگ و توئیترش درباره اتفاق‌ها می‌نویسد و قرار است در فرصتی بیشتر به همه این‌ها به طور مبسوط بپردازد. او این شیوه کار را روزنامه‌نگاری آهسته می‌نامد که قرار است گزارش او با عنوان «گام‌های انسان با سه مایل در ساعت» منتشر شود.

نام این پروژه «بیرونِ این واک^۳» است که سازمان پولیتزر نیز با آن همکاری می‌کند. پولیتزر برای آن وجهی آموزشی قائل است که می‌تواند الهام‌بخش دانش‌آموزان مدارس در سراسر دنیا باشد. جوری که دانش‌آموزان نیز می‌توانند گزارش خود درباره سفرشان بنویسند و معلمان نیز می‌توانند شیوه درست داستان‌گویی و گزارش‌نویسی سفر را به آنان یاد دهند.

نشریات مختلف دیگری همچون XXL،^۴ DG و Du Correspondent هم هستند که منطبق دوره انتشار را زیر سؤال می‌برند و دلیلی نمی‌بینند که بخواهند اخبار و وقایع روزانه را دنبال کنند. ولی این کار ارزش خبری تازگی را زیر سؤال می‌برد.

ارزش‌های خبری آهستگی

خبر زودتر از نان بیات می‌شود. برای همین در تعریف آن ارزش تازگی اهمیت زیادی دارد و اینجاست که اگر خبر را به موقع منتشر نکنیم در اصطلاح می‌سوزد (Gans, 2003: ۵۰)، اما اصلاً چرا اخبار باید سوختنی باشند؟ سامرویل (۱۹۹۶) در جواب می‌گوید که این اهمیت تازگی خبر و نسوخته بودنش ربط به مسائل اقتصادی و مالی دارد؛ چون خبر سوخته را کسی نمی‌خرد و نمی‌خواند. این موضوع پیش از همه‌گیر شدن رسانه‌های اجتماعی و آنلاین هم اهمیت داشت. «می‌توان اخبار غیر روزانه را تصور کرد ولی اگر چنین شود صنعت اخبار رشد نمی‌کند. چون صنعت

1- Tierra del Fuego

۲- به این نشانی سر بزنید و گزارش‌های این سفر را ببینید، بشنوید و بخوانید:
۰۹۱۲۶۸۷۰۳۷۱

<https://www.nationalgeographic.org/projects/out-of-eden-walk/#section-4>

3- Out of Eden Walk

۴- Delayed Gratification مدعی است که نخستین مجله حوزه روزنامه‌نگاری آهسته را در دنیا منتشر می‌کند. برای دیدن این مجله به این نشانی سر بزنید: <http://www.slow-journalism.com/delayed-gratification-magazine>

چاپ بدون اخبار روزانه در عمل از کار می‌افتد. به همین خاطر است که می‌گوییم تناوب انتشار در کار روزنامه‌نگاری یک استراتژی بازاریابی است» (Sommerville 1996, ۴).

سال ۲۰۰۸ مارتین دو سنت اگزوپری^۱ کاری را مربوط به حوزه «اخبار آهسته» شروع و فصلنامه‌ای به نام XXL در پاریس منتشر کرد. اگزوپری در سرمقاله اول این نشریه نوشت: «هدف از فصلنامه ما این است که بدون فشار زمانی با تعمق به مطالب خویش پردازیم و از نقطه‌نظری دیگر به اتفاقاتها بنگریم و با ارائه آن به مردم، رنگ را به جهان برگردانیم».

سی صفحه از این فصلنامه با نام «فلاش‌بک» در قالب اخبار کوتاه به اتفاق‌های سه ماه گذشته می‌پردازد. صدوچهل صفحه مطالب فیچری و داستان خبری دارند و ۳۰ صفحه نیز به شکل کمیک‌استریپ منتشر می‌شود. این فصلنامه سالی دوبار ویژه‌نامه‌ای ۳۵۰ صفحه‌ای از عکس به نام سی‌موآ منتشر می‌کند و در این ویژه‌نامه هیچ آگهی منتشر نمی‌شود. هر ۳۰ صفحه از این ویژه‌نامه عکس روی یک موضوع خاص متمرکز است.

ماری پیر سابتیل، ویراستار فصلنامه XXL در انتقاد از اخبار پرسرعت نشریات می‌گوید: هیچ وقت و زمانی برای مکث روی یک مطلب یا داستان خبری وجود ندارد تا بفهمیم واقعاً چه شد. لورن باکاریا^۲ که مسئولیت بخش سی‌موآ را برعهده دارد نیز در گفت‌وگو با خبرگزاری فرانسه می‌گوید: تصور من از جهنم شبیه زمانی است که هول‌هولکی باید کاری را انجام دهی و هیچ‌گاه تا آخر کار صبر نمی‌کنی ببینی چه می‌شود واقعاً.

سال ۲۰۱۰ دو روزنامه‌نگاری انگلیسی به نام‌های راب اورشارد و مارکوس وب^۳ نیروهای خود را در شرکتی با عنوان Slow Journalism گرد هم آوردند و فصلنامه‌ای به نام Delayed Gratification را منتشر کردند. در حالی که در هفته‌نامه‌هایی چون تایم و اکونومیست اخبار فوری مهمترین تغذیه‌کننده مطالب این نشریه‌ها هستند، در فصلنامه‌هایی که شیوه روزنامه‌نگاری آهسته را پیش گرفته‌اند خط خبری بیشتر مربوط به اتفاق‌هایی است که مهم‌اند و نه الزاماً همه اخبار سه ماهه اخیر. چون فصلنامه DG هر سه ماه یکبار در صندوق پستی خانه‌ها می‌افتد و در عمل پوشش اخبار فوری شدنی نیست. اینجاست که صاحبان مجله از این تهدید به عنوان فرصت استفاده می‌کنند و خوانندگان را به سمت مطالعه مطالبی می‌برند که سر صبر و فرصت و با جزئیات نوشته شده‌اند. آن‌ها نسخه‌ای آنلاین هم دارند که وظیفه بازاریابی برای مجله را هم برعهده دارد. مجله‌ای که ابتدای هر شماره آن می‌نویسند: «چاپ نمرده است».

۱- این روزنامه‌نگار (متولد ۱۹۶۲) که «آنتوانت سنت دو اگزوپری» نویسنده شازده کوچولو، پسر عموی پدر بزرگ اوست، کارش را از ۱۹ سالگی در نشریاتی چون پاریس‌سوار و فیگارو آغاز کرد و از سال ۲۰۰۸ سردبیر مجله XXL است.

۲- عبارت Moïse 6 به فرانسه یعنی ۶ ماه.

3- Laurent Beccaria

4- Rob Orchard and Marcus Webb

هنوز برای خیلی‌ها لذت در آمیختن جوهر با کاغذ بیشتر از دل دادن به فریبندگی جادوی دنیای دیجیتال و غرق شدن در فضای توییت‌ها، فیدها و بلاگ‌هاست. مجله DG از کاغذی استاندارد و چاپگری مورد تأیید نهادهای محیط‌زیستی استفاده می‌کند که گواهی‌نامه ۱۴۰۰۱ هم دارد. همین کیفیت باعث می‌شود نسبت به دیگر نشریات ماندگاری بیشتری روی کیوسک‌ها داشته باشد. این کیفیت در دیگر فصلنامه‌های از این دست نیز دیده می‌شود. جوری که مثلاً مجله XXL یکی از منابع درآمدش فروش شماره‌های پیشین مجله است.

اروشاد در مصاحبه‌ای درباره اینکه روزنامه‌نگاری آهسته دارد جای خودش را پیدا می‌کند، می‌گوید: امروزه بخش اصلی رسانه‌ها را اخبار ۲۴ ساعته و فوری تشکیل نمی‌دهد. درست است که امروزه خبر از دل دادگاه ابتدا توییت می‌شود و همان لحظه دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها همراهش می‌آید ولی روزنامه‌نگاری آهسته نیز دارد کار خودش را می‌کند. قرار نیست چون نوشتن مطلب بیشتر طول می‌کشد، کیفیت کار هم بهتر باشد، ولی نکته اینجاست که روزنامه‌نگاری آهسته دارد شیوه متفاوتی را برای انعکاس اتفاق‌ها پیش می‌گیرد.

به همین خاطر، کسانی که در عرصه روزنامه‌نگاری آهسته مشغول به کارند در حال آزمون و خطا هستند تا از الگوهای دیگر رسانه‌ها برای کار خود استفاده کنند و منتظر بمانند و نتیجه کار را ببینند. مثلاً فصلنامه DG سراغ تلفیق چند روش برای پوشش مطالب بلند است (مثلاً پرداختن به آخرین خبر پیش از چاپ و همچنین مطالب بی‌زمان) همچنین این مجله ستون کارشناس و گرافیک‌های اطلاع‌رسان دارد که از این نظر به روزنامه‌نگاری داده‌محور^۱ تنه می‌زند. خلاصه اخبار مهم سه ماهه اخیر نیز می‌تواند جذاب باشد. از آنجایی که DG نشریه‌ای مستقل است، آگهی منتشر نمی‌کند و در آن کسب درآمد بالا انگیزه اصلی انتشار نیست این مجله سراغ آبونمان و خوانندگان وفادار خود رفته است. البته خود سردبیران و کارکنان این فصلنامه نیز به جز اینجا در نشریه‌ای دیگر هم مشغول کارند و درآمد اصلی‌شان از این فصلنامه نیست.

سردبیران نشریاتی که شیوه روزنامه‌نگاری آهسته را پی می‌گیرند نمی‌توانند برای انتخاب داستان خود از ارزش‌های خبری مرسوم و معمول در دیگر رسانه‌ها استفاده کنند. در عوض آن‌ها برای انتخاب داستان خود ارزش‌های خبری مربوط به کار در چنین مجلاتی را سرلوحه کار قرار می‌دهند. این ارزش‌ها در خط‌مشی اعضای تحریریه مشخص شده است؛ چرا که پیش از این درباره این خط‌مشی به توافق رسیده‌اند و بر اساس آن عمل می‌کنند. آن‌ها در این خط‌مشی سبک، نوع محتوا و رویکرد مجله را مشخص کرده‌اند و همین‌هاست که بر اساس آن سردبیران می‌توانند داستان مورد نظر خود را انتخاب کنند. برای مجله DG سوالی که مطرح می‌شود این است: واقعاً چه

چیز اخبار برای ما مهم است؟ تنها راه پاسخ به این پرسش آن است که بگذاریم اخبار از وضعیت فوری فاصله بگیرند تا بتوانیم سر فرصت جنبه‌های مختلف آن را بررسی کنیم. یکی از دلایلی که مدیران DG را مجاب کرد به سمت این شیوه روزنامه‌نگاری بیایند، حجم عظیم اخبار و اطلاعاتی بود که به سمت مخاطبان هجوم می‌آورد. حتی خود روزنامه‌نگاران هم مدام با خبر سر و کار دارند از این جریان دل چرکین هستند و احساس اشباع و خبرزدگی می‌کنند.

اورشارد درباره این اشباع خبری می‌گوید: «همه ما گرفتاری‌ها و شلوغی‌های خودمان را داریم ولی در میان همین شلوغی‌ها کلی صفحه جلوی ما باز است که باید آن را بخوانیم تا بفهمیم دنیا چه خبر است. مدام از فیس‌بوک و توئیتر و سایت‌ها خبر به دستمان می‌رسد؛ ولی خودمانیم، چند نفر از ما واقعاً اخباری که دریافت می‌کنیم دست‌چین شده و صحیح است؟ این است که عطای با خبر شدن را به لقای بی‌خبری می‌بخشیم. به قول توماس اریکسن، ما در جامعه اطلاعاتی کمبود اطلاعات نداریم بلکه با زیادی اطلاعات و اخبار مواجه‌ایم. اینجاست که بدون نیاز به بسیاری از اطلاعات و اخبار در میان صفر و یک‌ها غرق می‌شویم (Eriksen, 2001: 105).

جیمز گلیک^۱ در «تاریخ اطلاعات^۲» می‌گوید: برای مقابله با این حجم عظیم و آزاردهنده اطلاعات استراتژی ما فیلتر کردن است. انگار که بخواهیم فلز را از خاک جدا کنیم.

اتفاقاً نوع عملکرد و شیوه کاری روزنامه‌نگاری آهسته می‌تواند آن فیلترها را برای خوانندگان فراهم آورد؛ یعنی امکانی فراهم کند تا مخاطبان از نوعی گیجی ناشی از هجوم اطلاعات و اخبار خلاص شوند. چون در اینجا سردبیران فصلنامه‌ای که به روش روزنامه‌نگاری آهسته عمل می‌کند، با دست‌باز مهم‌ترین و معتبرترین اتفاق‌های سه‌ماه گذشته را انتخاب می‌کنند. البته خوانندگان DG و XXL خوب می‌دانند که این فصلنامه‌ها در عمل نمی‌توانند به آخرین خبرهای پیش از چاپ به طور کامل بپردازند؛ چون زوایای این اتفاق هنوز کاملاً مشخص نشده است. توهمی که پشت اخبار روزانه خوابیده برخاسته از شعار «تمام اخبار مناسب چاپ^۳» است.

با شکل‌گیری اخبار آنلاین، توهمی دیگری نیز پدید آمده؛ اینکه انگار با چند کلیک می‌توانیم از تمامی زیر و بم یک اتفاق باخبر شویم. اما واقعیت این است که استفاده سردبیران از این ارزش‌های خبری و روند اسرارآمیز انتخاب اخبار به این توهم بیشتر دامن می‌زند. ولی در جریان روزنامه‌نگاری آهسته در مجلاتی مثل DG و XXL نقش سردبیران شفاف‌تر است.

تجربه‌های دیگر در میدان روزنامه‌نگاری آهسته مربوط به وبسایت چندرسانه‌ای و هلندی زبان

1- James Gleic

۲- جیمز گلیک یک مورخ علم است و نام کامل این کتابش: *The Information: A History, a Theory, a Flood* که در سال ۲۰۱۱ نوشته شده و برای سه هفته در فهرست پرفروش‌ترین‌های نیویورک تایمز قرار داشت. مترجم

۳- این شعار تبلیغاتی نیویورک تایمز است تا تاکید کند این روزنامه بر حقایق مهم اصرار دارد و نه مسائل عاطفی و احساسی. با همین شعار است نیویورک تایمز مدعی است توانسته فراتر از یک نشریه خبری ساده عمل کند. مترجم

De Correspondent است. این وبسایت آگهی نمی‌گیرد و مشترکان هزینه‌اش را تأمین می‌کنند. در اعلامیه این شرکت آمده: «به اخبار روزانه می‌پردازیم، ولی از آن فراتر می‌رویم؛ در خبر باقی نمی‌مانیم و حرف جدیدتر خواهیم داشت».

این وبسایت با پی گرفتن رویکرد آهسته‌تر در کار روزنامه‌نگاری می‌خواهد از افتادن در چرخه اخبار فوری و روزانه دوری می‌کند. تمرکز اصلی مطالب هر روزه این وبسایت روی پیشینه، تحلیل، گزارش تحقیقی و بلندنویسی یک مطلب خبری است. راب واینبرگ^۱ مسئول این سایت می‌گوید: من به خبر از منظری عینیت‌گرایانه، سخت و مطلق نگاه نمی‌کنم و به نظرم برای تعریف اتفاق‌های روزمره بی‌نهایت راه وجود دارد. او ادامه می‌دهد: اگر تنها منبع اطلاعاتی ما نسبت به جهان پیرامون مان اخبار بود، بالاخره می‌فهمیدیم مشکل این عالم چیست و چه چیزی در آن درست کار نمی‌کند. ولی در عمل این‌طور نیست؛ چون در ارزش‌های خبری هم امروزه «مربوط بودن»^۲ جای خودش را به «متأخر بودن» داده است.

ژیل برانتت کورتسوس^۳ خبرنگار این وبسایت است که درباره شیوه انتخاب سوژه ماهانه خود می‌گوید: «ممکن است سوژه ما جایی باشد که از چشم اخبار دور مانده است یا اینکه سوژه مورد نظر ما در این مکان خیلی به آهستگی خودش را نشان دهد و جا بیفتد. مثل گشتن دنبال علل کم‌جمعیت شدن یک روستا در زلاندنو».

مسئول سایت De Correspondent از خبرنگارنش انتظار دارد تا «دقیق، واقعیت‌محور و منصف» باشند، اما این ویژگی‌ها باعث نمی‌شود تا این خبرنگاران تبدیل به «ماشین‌هایی عینیت‌گرا» شوند و احساس‌هایی چون شوق، شور، تعجب، امید، عصبانیت را در داستان خویش پنهان کنند. اتفاقاً این احساس‌ها برای انعکاس مطلب در اولویت قرار دارند.

واینبرگ از رویکرد قدیمی عینیت‌گرایی در روزنامه‌نگاری انتقاد می‌کند و می‌گوید: به نظر من خبرنگاران باید ترجیح و پسند خود را به طور شفاف مطرح کنند. آنچه خبرنگار می‌اندیشد مهم است و سؤال اینجاست که چرا خوانندگان باید از این مسئله نگران باشند؟ با پیروی از اصول عینیت‌گرایی نمی‌توان جهان را آن‌طور که هست ترسیم کرد بلکه آنچه منعکس می‌شود به نوعی سفر ذهنی مخاطب در دنیای اطراف منجر می‌شود.

آنچه تاکنون درباره روزنامه‌نگاری آهسته گفته شد این سؤال را بر می‌انگیزد که برای کار به این شیوه چه قدر به اخبار محتاجیم و اخبار چه قدر برای ما مهم‌اند و از طرف دیگر در چه محدوده‌ای

1- Rob Wijnberg

۲- از جمله ارزش‌های دوازده‌گانه گالتونگ و روگ (Relevance). برای مطالعه در این باره به کتاب «خبر» اثر یونس شکرخواه انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها مراجعه کنید. مترجم

3- Jelle Brandt Courstius

از زمان می‌توان به روزنامه‌نگاری آهسته پرداخت. این‌ها پرسش‌هایی هستند که می‌توانند منجر به استفاده آرام‌تر و انتقادی‌تر از روزنامه‌نگاری شود. این‌ها بحث‌هایی ذهنی نیستند بلکه باید به طور تجربی پاسخ داده شوند.

شکی نیست که خواندن اخبار قدیمی و پلاسیده کاری عبث است. خبرهای خیلی سریع می‌آیند و ما خیلی زود آنها را از یاد می‌بریم ولی برخی از اتفاق‌ها هستند که به این راحتی‌ها قابل فراموش شدن نیستند. برخی از اتفاق‌ها باید تهنشین شوند تا تازه اطلاعاتی جدید درباره آن منتشر شود و راه را برای فهم بهتر و تفسیر صحیح‌تر ماجرا باز کند.

مَخْلَص کلام...

امروزه نه فقط روزنامه‌نگاری و روزنامه‌نگاران بلکه مردم عادی نیز انباشتگی اطلاعاتی زیادی را دارند حس می‌کنند. برای این اتفاق اصطلاحات دیگری هم وضع شده. مثل اشباع اطلاعاتی، سرخوردگی از زیادی دانستن، وفور ارتباط. تاد گیتلین (۲۰۰۷: ۱۵) در این باره می‌نویسد: حجم تصاویر و صداها دارند بیشتر و بیشتر می‌شوند و در چشم‌اندازی بی‌هدف شاهد تدوین بی‌پایانی از تصاویر و صداها هستیم که سرآخر در مقابل آن احساس ناتوانی می‌کنیم. این ناتوانی در بی‌تفاوتی ما پیداست. همان‌طور که اورشارد می‌گوید: «بسیاری از مردم (به‌ویژه جوانان) احساس خستگی می‌کنند و [پیگیری اطلاعات و اخبار را] به حال خودش رها کرده‌اند». یک پژوهش روی جوانان ۹ کشور نشان می‌دهد که ۳۷ درصد از این افراد ۱۸ تا ۳۴ ساله علاقه‌ای به پیگیری اخبار از منابع مرسوم و رسانه‌ها ندارند. این در حالی است که تنها ۱۳ درصد از افراد ۵۴ سال به بالا چنین برخوردی با اخبار داشته‌اند (Curran et al. ۲۰۱۳, ۸۸۴).

رویکرد آهسته‌تر به روزنامه‌نگاری آیا می‌تواند راهی برای جذب مخاطبی باشد که از اشباع اطلاعاتی دلزده و خسته است؟ یعنی می‌توان با تاکید بر ارتقای کیفیت مطالب، ایجاد لذت بیشتر موقع خواندن، حفظ عناصر دراماتیک و داستانی موقع نوشتن مطلب و ... باعث جلب نظر مخاطبان شد؟ یا اینکه روزنامه‌نگاری آهسته فقط وجهی نخبه‌گرایانه دارد؟ آیا روزنامه‌نگاری آهسته یک جور مُدِ «نوگرایی نوستالژیک» است که به زودی هیجان آن فروکش می‌کند؟

این پرسش‌ها و انتقادهایی است که برخی مطرح می‌کنند. مثلاً جان کین^۱ روزنامه‌نگاری آهسته را نوعی «ایدئولوژی واکنشی» نسبت به حجم وسیع ارتباطات و اطلاعات در دنیای امروز می‌داند. در واقع این ایدئولوژی نسبت به عواقب اضافه‌بار اطلاعات وحشت ایجاد و از آن سوءاستفاده می‌کند و بحث مرگ آگاهی و سطحی شدن را پیش می‌کشد. این شکل از نوگرایی نوستالژیک

سوء‌هاضمه بینندگان، شنوندگان و خوانندگان را در مواجهه با چندرسانه‌ای‌ها سرزنش می‌کند و از دولت و شهروندان می‌خواهد برای کاهش این اضافه‌بار تلاش کنند.

برخی دیگر نیز می‌گویند جنبش آهسته، فراری ارتجاعی و رو به عقب در برابر گسترش ارتباطات است. در حالی که به گفته بن آگر (۲۰۰۴) سرعت و آهستگی نوعی هماهنگی دیالکتیک با هم دارند. هدف زندگی کندتر باید زندگی در لحظه اکنون باشد. این شکل از زندگی با استفاده از فناوری اطلاعاتی باید به دنبال کاستن از سرعت زندگی باشد. تمام نمونه‌هایی که از روزنامه‌نگاری آهسته به عنوان مثال مطرح شدند، برای ارائه و انعکاس خود از آخرین فناوری‌های اطلاعاتی استفاده می‌کنند؛ ولی نکته اینجاست که رویکرد آنان به مطلب با طمانینه و آرامش، بدون فشار زمان همراه است.

اکنون که مخاطبان و مصرف‌کنندگان خودشان می‌توانند در تولید مطالب نقش داشته باشند، رویکرد کندتر به روزنامه‌نگاری از نگاهی ارتجاعی به دور است و می‌تواند یک کنش شهروندی و مسئولانه محسوب شود. ما به عنوان کاربر هم وقت برای سرعت به خرج دادن و توییت کردن درباره اتفاق‌های خاورمیانه داریم و هم وقت داریم که سر فرصت درباره این اتفاق‌ها از منظری عقلایی‌تر و منطقی‌تر بیندیشیم و بنویسیم.

پس از ماجرای بمب‌گذاری بستون در سال ۲۰۱۳، مایک آنانی^۱ (و تعداد زیادی دیگر از افراد) به شکلی مستند نشان دادند که چه طور تکنولوژی‌های جدید ارتباطی منجر به اشتباه شدند و روزنامه‌نگاران سنتی و غیرسنتی و جدید را به خطایی خطرناک کشاندند. باید نشریات ایده‌آل چیزی فراتر از این باشند. نه اینکه فقط با هم سرزودتر رساندن و انعکاس اخبار رقابت کنند.

پس از بروز یک واقعه باید به دو پرسش اساسی جوابی قانع‌کننده داد: ۱- اکنون باید یک چیزهایی را بدانیم؟ و ۲- حالا چه چیزهایی را باید گفت؟ هر دوی این پرسش‌ها برای ما روشن می‌کنند که چه چیزهایی را نباید بگوییم! در واقع آنان با مطرح کردن این دو سؤال به سکوت و زمان‌بندی روزنامه‌نگاری آهسته اشاره می‌کنند؛ و این عجله نداشتن در انعکاس خبر و همچنین زمان‌بندی درست ارائه آن راهی است برای ارتقای کیفیت و دقت اخباری که به گفتمان و فضای عمومی راه می‌یابند.

روزنامه‌نگاری آهسته با نوعی وعده هوشمندی و تفکر عمیق همراه است. همان که میچل استفنز آن را روزنامه‌نگاری خرد^۲ می‌نامد. این شکل از روزنامه‌نگاری آمیزه‌ای است از گزارشگری تحقیقی، با آگاهی بیشتر، همراه با تفسیر و نوشته‌ای طولانی‌تر که به شکلی عمیق‌تر و خردورزانه به

1- Mike Ananny

2- Wisdom journalism

مسائل زندگی اطراف می‌پردازد (Stephens 2009, ۴). البته در این شیوه دوز روایت‌های لذتبخش بالاست. هیچ کدام از تجربه‌های روزنامه‌نگاری آهسته دنبال جایگزین شدن با روزنامه‌نگاری مرسوم و سریع امروزی نیستند. استقلال آن‌ها در سازمان کوچک‌شان این اجازه را می‌دهد تا خود را از جریان رقابت برای سود یا استیلای ایدئولوژی خاص دور کنند. روزنامه‌نگاری آهسته نیز مانند هواداران زندگی آهسته به دنبال تحمیل ارزش‌های آهستگی به زندگی دیگران نیست. آن‌ها فقط برای عنصر سرعت در زندگی روزمره ما جایگزینی پیشنهاد می‌کنند که هم امکان‌پذیر باشد و هم قابل درک. آن زمان است که این آهستگی می‌تواند فضایی برای ماندگاری داشته باشد (Parkins 2004, ۳۶۷).

نشانی انگلیسی مطلب:

Megan Le Masurier (2015) What is Slow Journalism?, Journalism Practice, 9:2,138-152,

منابع^۱

- AFP (Agence France Press). 2011. "French News Magazine Promotes 'Slow News'." YouTube, April 1. <http://www.youtube.com/watch?v=SnvSvRv6icM>.
- Agger, Ben. 2004. *Speeding Up Fast Capitalism*. Boulder: Paradigm.
- Ananny, Mike. 2013. "Breaking News Pragmatically: Some Reflections on Silence and Timing in Networked Journalism." Nieman Journalism Lab, April 23. <http://www.niemanlab.org/2013/04/breaking-news-pragmatically-some-reflections-on-silence-and-timing-in-networkedjournalism/?fromfloater>.
- Berkey-Gerard, Mark. 2009. "Tracking the 'Slow Journalism' Movement." *Campfire Journalism Blog*, July 29. <http://markberkeygerard.com/?s=slow+journalism&submit=Search>.
- Boczkowski, Pablo J. 2010. *News at Work: Imitation in an Age of Information Abundance*. Chicago: University of Chicago Press.
- Bradshaw, Paul. 2009. "What's Been Happening with Help Me Investigate." *Online Journalism Blog*, June 1. <http://onlinejournalismblog.com/2009/06/01/whats-been-happening-withhelp-me-investigate/>.

۱- این بخش برای مطالعه بیشتر و آشنایی با برخی از پایگاه‌های مربوط به روزنامه‌نگاری آهسته آورده شده است - 1

- Conboy, Martin. 2004. *Journalism: A Critical History*. London: Sage.
- Curran, James, Sharon Coen, Toril Aalberg, Kaori Hayashi, Paul K. Jones, Sergio Splendore,
Stylianos Papathanassopoulos, David Rowe, and Rod Tiffen. 2013. "Internet Revolution Revisited: A Comparative Study of Online News." *Media, Culture & Society* 35 (7): 880–897.
doi:10.1177/0163443713499393.
- Davies, Nick. 2009. *Flat Earth News: An Award-winning Reporter Exposes Falsehood, Distortion and Propaganda in the Global Media*. London: Vintage.
- De Correspondent. 2013a. "Core Principles." <https://decorrespondent.nl/en>.
- De Correspondent. 2013b. "Our Story." <https://decorrespondent.nl/en>.
- Dowd, Maureen. 2013. "Lost in Space." *The New York Times*, April 23. http://www.nytimes.com/2013/04/24/opinion/dowd-lost-in-space.html?_r=0.
- Eriksen, Thomas. 2001. *Tyranny of the Moment: Fast and Slow Time in the Information Age*. London: Pluto.
- Fenton, Natalie. 2010. "News in the Digital Age." In *The Routledge Companion to News and Journalism*, edited by Stuart Allan, 557–567. New York: Routledge.
- Gans, Herbert J. 2003. *Democracy and the News*. New York: Oxford University Press.
- Gess, Harold. 2012. "Climate Change and the Possibility of 'Slow Journalism'." *Ecquid Novi: African Journalism Studies* 33 (1): 54–65.
- Gillmor, Dan. 2010. *Mediactive*. Dan Gillmor.
- Gitlin, Todd. 2007. *Media Unlimited: How the Torrent of Images and Sounds Overwhelms our Lives*. New York: Metropolitan Books.
- Gleick, James. 2011. *The Information: A History, a Theory, a Flood*. London: Fourth Estate.
- Greenberg, Susan. 2007. "Slow Journalism." *Prospect*, February 26. <http://www.prospectmagazine.co.uk/magazine/slowjournalism/#.UiahWuDtKfR>.
- Greenberg, Susan. 2013. "Slow Journalism in the Digital Fast Lane." In *Global Literary Journalism: Exploring the Journalistic Imagination*, edited by Richard Lance Keeble and John Tulloch, 381–393. New York: Peter Lang.
- Hargreaves, Ian. 2003. *Journalism. Truth or Dare?* Oxford: Oxford University Press.
- Harrington, Walt. 1997. "A Writer's Essay: Seeking the Extraordinary in the Ordinary." In *Intimate Journalism: The Art and Craft of Reporting Everyday Life*, edited by Walt Harrington, xvii–xxvi. Thousand Oaks, CA: Sage.
- 150 MEGAN LE MASURIER
Downloaded by [McMaster University] at 06:02 06 April 2015

- Hartley, John. 1996. *Popular Reality: Journalism, Modernity, Popular Culture*. London: St. Martin's Press.
- Hartley, John. 2003. "The Frequencies of Public Writing: Tomb, Tome and Time as Technologies of the Public." In *Rethinking Media Change. The Aesthetics of Tradition*, edited by David Thorburn and Henry Jenkins, 247–268. Cambridge, MA: The MIT Press.
- Honore, Carl. 2004. In *Praise of Slow: How a Worldwide Movement Is Challenging the Cult of Speed*. London: Orion.
- IJF (International Journalism Festival). 2013. *The Digital Comeback of Longform*. www.journalismfestival.com/programme/2013/longform-journalism.
- INN (Investigative News Network). 2013. "Is There Room for a 'Slow Journalism' Movement That's Like the 'Slow Food' Movement?" Facebook, August 10. <https://www.facebook.com/investigativenetwork/posts/592891440754295>.
- Juntunen, Laura. 2010. "Explaining the Need for Speed. Speed and Competition as Challenges to Journalism Ethics." In *The Rise of 24-hour News Television: Global Perspectives*, edited by Stephen Cushion and Justin Lewis, 167–180. New York: Peter Lang.
- Keane, John. 1997. *Eleven Theses on Communicative Abundance*. <http://johnkeane.net/40/topicof-interest/eleven-theses-on-communicative-abundance>.
- Kiss, Jemima. 2009. "4ip: Two New Projects to Help Prop up Local News." *The Guardian*, June 1. <http://www.theguardian.com/media/pda/2009/jun/01/channel4-research1>.
- Kovach, Bill, and Tom Rosenstiel. 1999. *Warp Speed: America in the Age of Mixed Media*. New York: Century Foundation Press.
- Kristof, Nicholas D. 2006. "Your Turn to Tell the Story: Chad." *The New York Times*, http://select.nytimes.com/ref/opinion/20061204_OTG_CHAD_DOSSIER.html.
- Laurent, Olivier. 2012. "Biannual French Magazine Offers Different Approach to Photography." *British Journal of Photography*, September 24. <http://www.bjp-online.com/british-journal-of-photography/report/2207632/biannual-french-magazine-offers-different-approach-to-photography#ixzz2kIt0Fx4f>.
- Lewis, Justin, Andrew Williams, Bob Franklin, James Thomas, and Nick Mosdell. 2006. *The Quality and Independence of British Journalism*. <http://www.cardiff.ac.uk/jomec/resources/QualityIndependenceofBritishJournalism.pdf>.

- McKenzie, Hamish. 2013. "Is Aeon the best magazine on the internet?" Pandodaily.com, September 16. <http://pandodaily.com/2013/09/16/the-best-magazine-on-the-internet/>.
- Mission and State. 2013. About Us. <http://www.missionandstate.org/about-us/>.
- Narratively. 2013. About. <http://narrative.ly/about/>.
- Osnos, Evan. 2013. "On Slow Journalism." *The New Yorker*, January 31. <http://www.newyorker.com/online/blogs/comment/2013/01/on-slow-journalism.html>.
- Out of Eden Walk. 2013. About the Project. <http://www.outofedenwalk.com/page/about/>.
- Parkins, Wendy. 2004. "Out of Time. Fast Subjects and Slow Living." *Time & Society* 13 (2/3): 363–382. doi:10.1177/0961463X04045662.
- Parkins, Wendy, and Geoffrey Craig. 2006. *Slow Living*. Oxford: Berg.
- Petrini, Carlo. 2001. *Slow Food: Collected Thoughts on Taste, Tradition, and the Honest Pleasures of Food*. White River Jct., VT: Chelsea Green.
- Petrini, Carlo. 2007. *Slow Food Nation*. New York: Rizzoli.
- Phillips, Angela. 2009. "Old Sources in New Bottles." In *New Media: Old News: Journalism and Democracy in the Digital Age*, edited by Natalie Fenton, 87–101. London: Sage.
- Pulitzer Centre. 2013. *Out of Eden: Paul Salopek's Walk from Ethiopia to Patagonia*. <http://pulitzercenter.org/projects/out-of-eden>.
WHAT IS SLOW JOURNALISM? 151
Downloaded by [McMaster University] at 06:02 06 April 2015
- Urry, John. 2009. "Speeding Up and Slowing Down." In *High Speed Society. Social Acceleration, Power, and Modernity*, edited by Hartmut Rosa and William E. Scheuerman, 179–200. Pennsylvania: Pennsylvania State University Press.
- Rauch, Jennifer. 2011. "The Origin of Slow Media: Early Diffusion of a Cultural Innovation through Popular and Press Discourse, 2002–2010." *Transformations* 20. http://www.transformationsjournal.org/journal/issue_20/article_01.shtml.
- Ricketson, Matthew. 2010. "Not Muddying, Clarifying: Towards Understanding the Boundaries Between Fiction and Nonfiction." *Text* 14 (2). <http://www.textjournal.com.au/oct10/ricketson.htm>.
- Rosen, Jay. 2010a. "Fixing the Ideology Problem in our Political Press: A Reply to the Atlantic's Marc Ambinder." *PressThink Blog*, June 22. http://archive.pressthink.org/2010/06/22/reply_ambinder.html.
- Rosen, Jay. 2010b. "The View from Nowhere: Questions and Answers." *PressThink Blog*, November 10. <http://pressthink.org/2010/11/the-view-from-nowhere-questions-and-answers/>.
- Rosenberg, Noah. 2013. "How to Build It and Win It." Speaker at *Storyology: A Summit of Media &*

- Creativity. Sydney, August 7.
- Rosenberg, Howard, and Charles S. Feldman. 2008. No Time to think. The Menace of Media Speed and the 24-hour News Cycle. New York: Continuum.
- Schudson, Michael. 2003. The Sociology of News. New York: W.W. Norton & Company.
- Slow Food. n.d. Our Philosophy. <http://www.slowfood.com/international/2/our-philosophy>.
- Slow Food. 2010. Slow Food Manifesto. http://www.slowfood.com/_2010_pagine/com/popup_pagina.lasso?-id_pg=121.
- Sommerville, C. John. 1996. The News Revolution in England: Cultural Dynamics of Daily Information. Oxford: Oxford University Press.
- Starkman, Dean. 2013. "Major Papers' Longform Meltdown." Columbia Journalism Review 51 (5), January 17. http://www.cjr.org/the_audit/major_papers_longform_meltdown.php.
- Stephens, Mitchell. 2009. "Beyond News: The Case for Wisdom Journalism." Discussion Paper Series, Joan Shorenstein Center on the Press, Politics and Public Policy, Harvard University, John F. Kennedy School of Government.
- USC Annenberg. 2010. What is This Thing Called the Slow Journalism Movement? www.youtube.com/watch?v=4WbP5H3AIW8.
- van Zoonen, Lisbet. 1998. "A Professional, Unreliable, Heroic Marionette (M/F: Structure, Agency and Subjectivity in Contemporary Journalisms." European Journal of Cultural Studies 1 (1): 123–143. doi:10.1177/136754949800100108.
- Witschge, Loes. 2013. A Dutch Crowd-funded News Site has Raised 13 Million and Hopes for a Digital Native Journalism. <http://www.niemanlab.org/2013/04/a-dutch-crowdfund-ednews-site-has-raised-1-3-million-and-hopes-for-a-digital-native-journalism/>.
- Zelizer, Barbie. 2009. "Introduction: Why Journalism's Changing Faces Matter." In The Changing Faces of Journalism: Tabloidization, Technology and Truthiness edited by Barbie Zelizer, 1–10. London: Routledge.